

# افق‌ها و چشم‌اندازهای رابطه ایران و آمریکا

آخرین بخش از گفت‌وگو با دکتر هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه راتگرز آمریکا، در پی از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد. با سپاس از علیرضا حقیقی که این مصاحبه اختصاصی را در اختیار نشاط گذاشت، امیدواریم این گفت‌وگو به درک متقابل و مفاهمه بیشتر در عرصه روابط بین‌المللی کمک نماید.

س: برخی از منتقدان معتقدند گروه‌ها و تشکل‌هایی که در حوزه رابطه ایران و آمریکا فعالیت می‌کنند --- که عمدتاً مرکز فعالیتشان نیز در آمریکا واقع است --- بنا به دلایل مختلف، آگاهانه یا ناآگاهانه، منافع سلطه‌گرانه آمریکا را دنبال می‌کنند. آنها برای ادعای خود دو استدلال اساسی دارند؛ نخست آن که معتقدند وزن و موقعیت دو کشور در وضعیت نابرابری قرار دارد و کفه طرف آمریکایی در این ترازو پرمفعت‌تر و سنگین‌تر است و البته تعقیب منافع طرف آمریکایی صرفاً به منافع دولت آمریکا محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند در راستای منافع شرکتها و کمپانیهای آمریکایی نیز باشد. از سوی دیگر، سیاستهای دولت آمریکا نیز --- که حتی



رسمأ اعلام می‌شود --- کمک به این نوع تشکل‌ها در جهت استفاده از آنها به منظور پیشبرد منافع ملی خود می‌باشد. دومین دلیل منتقدان، به محل استقرار این سازمانها برمی‌گردد، بدیهی است که حضور این سازمانها در آمریکا الزامات خاص خود را دارد و این سازمانها نمی‌توانند به گونه‌ای حرکت کنند که در صورت تضاد جدی میان منافع ایران و آمریکا از منافع طرف ایرانی حمایت کنند؛ زیرا به هر حال باید مقررات و جهت‌گیری کلی جامعه آمریکا را رعایت کنند. شما نیز که از اعضای فعال تشکیلات AIC (شورای ایرانیان --- آمریکاییان) هستید که در رابطه با بهبود فضای کلی میان دو کشور فعالیت می‌کنند، چگونه با این مسأله روبه‌رو می‌شوید؟

ج: من با نظر این منتقدان درباره ماهیت سازمانهای واسطه میان ایران و آمریکا کاملاً موافق هستم. تقریباً تمامی این سازمانها آمریکایی و کلاً در چارچوب منافع ملی آمریکا کار می‌کنند. این سازمانها که بعد از انتخابات دوم خرداد یکبار فعال شدند، در دوران سیاه رابطه ایران و آمریکا در سالهای ۱۹۹۳ --- ۱۹۹۷ هیچ برنامه قابل توجهی درباره ایران نداشتند و عملاً ایران برای آنها وجود خارجی نداشت و یا اگر هم داشت، خیلی حاشیه‌ای بود.

علت فعال شدن آنها پس از دوم خرداد هم صرفاً تأمین منافع آمریکا و منافع سازمانی خودشان بوده و هست. تعدادی از آنها حتی قبل از دوم خرداد وجود خارجی نداشتند و به محض باز شدن فضا به فکر ساختن پول از فرصت به دست آمده افتادند و شروع به کار و فعالیت کردند. در بین سازمانهای جورواجوری که در مورد رابطه ایران و آمریکا --- جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و غیره --- کار می‌کنند، هم سازمانهای انتفاعی و هم به اصطلاح غیرانتفاعی، دیده می‌شود.

بعضی از این سازمانها، دانشگاهی و یا وابسته به دانشگاهها هستند ولی عمدتاً مستقل و به شکل «مؤسسه»، «انجمن»، «شورا»، «مرکز»، «جامعه» و غیره فعال هستند. تفاوت در اسمها گاهی بی‌معنی ولی غالباً معنی مشخص قانونی دارد.

باید توجه بدهم که تصادفاً دولت ایران بیشترین مراوده را با این سازمانها دارد و نمایندگان آنها در این یک سال و اندی که گذشته، از ایران دیدار کرده‌اند و یا ایرانیهایی که به آمریکا آمده‌اند، از طریق آنها سفر کرده‌اند و یا در سازمانهای آنها حرف و صحبت داشته‌اند. یکی دو تا سازمان ایرانی و یا نیمه ایرانی هم که در آمریکا وجود دارد، مورد توجه دولت نیستند و یا حداقل برای آنها ارزش و اهمیتی قائل نیست و سعی در تقویت آنها نمی‌کند.

برعکس، در عمل، مراوده خیلی نزدیکتر با سازمانهای صددرصد آمریکایی، باعث تضعیف این سازمانها شده است. در عین حال دولت نخواست و یا نتوانسته است یک سازمان مناسب برای دفاع از منافع ملی ایران در آمریکا به وجود آورد. یک سازمان که برای ایران لابی کند، وجود ندارد. در آمریکا تقریباً همه کشورهای مهم دنیا و حتی خیلی از غیرمهمها، سازمان لابی دارند و خیلی قوی و منسجم عمل می‌کنند.

عین همین وضعیت در زمان رژیم گذشته هم وجود داشت. شاه و ایادی اش در آمریکا میلیونها دلار از پول ملت را به جیب همین دانشگاهها و سازمانهای جورواجور آمریکایی ریختند که از حکومت او حمایت و تعریف بکنند. در همین حال دولت شاه سعی نکرد یک سازمان مستقل ایرانی که از منافع ملی ایران در آمریکا دفاع بکند، به وجود بیاورد. نتیجه این شد که وقتی حکومت شاه دچار زحمت شد و بعد سرنگون گردید، همه این دانشگاهها و سازمانهای جورواجور باربینه خود را بستند و به دنبال کار خودشان رفتند و شاه و ایران و ایرانی را کلاً فراموش کردند و یا تنها گذاشتند.

نتیجه‌ای که می‌خواهم بگیرم این است که اگر این سازمانهای جورواجور در جهت منافع و یا سلطه آمریکا عمل می‌کنند، به این دلیل نیست که در آمریکا فعال هستند، دو کشور از شرایط نابرابر برخوردارند و یا اعضای آنها مقیم آمریکا هستند، بلکه بدین دلیل است که این سازمانها از سوی ایران تأسیس نشده‌اند، ایرانیهای وطن پرست در آنها نقشی ندارند و عملکرد دولت در قبال سازمانهای ایرانی و یا نیمه ایرانی اینجا نامناسب است.

متأسفانه مشکل رابطه ایران و آمریکا و مشکل سیاسی بین بخشی از ایرانیهای اینجا و دولت، خود از دلایل عدم کامیابی ایرانیها و دولت، در ایجاد یک سازمان مناسب مدافع ایران در آمریکاست. این خلأ کماکان احساس می‌شود و تا دولت به طور جدی به این امر نپردازد، سازمانهای تماماً آمریکایی در چارچوب منافع آمریکا برای ایران طرح و برنامه خواهند داد!

در چنین فضایی است که باید درباره ماهیت «شورای آمریکاییان و ایرانیان» (نه «شورای آمریکا و ایران» که به غلط در برخی از محافل مطرح شده) به قضاوت نشست. شورا، کار خود را عملاً در سال ۱۹۹۳ شروع کرد و از آن وقت در کنفرانسها و سمینارها و کتابهای زیادی، مسایل ایرانیان و رابطه ایران و آمریکا را مورد بررسی قرار داده است. توجه کنید که در سالهای سیاه رابطه ایران و آمریکا بین ۱۹۹۳ --- ۱۹۹۷ «شورای آمریکاییان و ایرانیان» تقریباً تنها سازمانی بود که در صحنه وجود داشت و از ایران و ایرانی دفاع می‌کرد. شاهد این مدعا، کنفرانسها و کتابهای شورا و هزاران ایرانی و آمریکایی هستند که از طریق فعالیتهای این شورا به جمع مدافعان ایران پیوستند و یا در جریان واقعیتهای ایران و مسایل آن با آمریکا قرار گرفتند.

شورای «آمریکاییان و ایرانیان» IRANIAN - AMERICAN COUNCIL یک مجمع غیرانتفاعی و آموزشی است که در «ایالت نیوجرسی» به ثبت رسیده است. این شورا کاملاً غیردولتی و غیرحزبی است و همان طور که از نام آن برمی‌آید شورایی برای آن بخش از دو ملت ایران و آمریکا است که به اهداف شورا باور دارند. منابع مالی شورا از طریق حق عضویت، کنفرانسها و هدایا و غیره تأمین می‌شود. این شورا، دو هدف را دنبال می‌کند: اول، کمک به سازمان دادن ایرانیان آمریکا - مخصوصاً نسل دومیها - در چارچوب منافع قومی - صنفی آنها و دوم ایجاد درک مناسبتری از ایران و فرهنگ ایرانی و مسایلی که باعث تنش یا همبستگی میان ایران و آمریکا می‌شود.

شورا امیدوار است که از این طریق به حل مشکلات ایرانیان آمریکا و رابطه ایران و آمریکا کمک بکند. عقیده بر این است که ارتقای ایرانیان و درک بهتری از مسایل ایران و آمریکا، در تحلیل نهایی در جهت ارتقای منافع ملی ایران است.

اعضای هیأت مدیره و کمیته اجرایی شورا متشکل از برجسته‌ترین اساتید دانشگاههای آمریکا (ایرانی و آمریکایی)، سیاستمداران خوشنام سابق، متخصصین ایرانی، و ایرانیان سرشناس و خوش نام در بخش فرهنگ و امور مردمی در آمریکا هستند.

این افراد در مجموع از ایران و ایرانی و از یک سیاست معقول آمریکایی در قبال ایران، حمایت می‌کنند و در واقع جهت فعالیت‌های آنها با اهداف شورا همسویی دارد. موضوع قابل توجه این است که «شورای آمریکاییان ایرانیان»، تنها سازمانی با این ماهیت است که نیمی از اعضای هیأت مدیره و اجرایی آن ایرانی هستند و کلاً در چهارچوب منافع ملی ایران فکر و عمل می‌کنند. باید اذعان کرد که این شورا در نوع خود تاکنون در آمریکایی سابقه بوده است؛ یعنی تنها سازمانی است که در رابطه با ایران و آمریکا فعال است و نیمی از گردانندگان و تصمیم‌گیرندگان آن ایرانی هستند و آن هم ایرانیان برجسته، خوش نام و وطن دوست.

ما امیدواریم که روزی ایرانیان، از ایران به این شورا بپیوندند و در اداره آن سهیم بشوند. ما بسیار علاقمندیم که از نظرات و پیشنهادات ایرانیان بهره‌مند گردیم.